

# تنبيه بدنى

و

## مسئولیت‌های قانونی

### اولیا و مربیان

پرویز رضایی

در موضوعات مربوط به تربیت کودکان، تنبیه بدنی از مباحثی است که موجب اختلاف نظر شدید بین طرفداران و مخالفان آن بوده است. دسته اخیر با تکیه بر علوم روانشناسی تنبیه را یک روش خشن و نامطلوب توصیف کرده و با توجه به مشکلات و زیانهای متعدد ناشی از این روش توصیه نموده‌اند تا هرگز به عنوان یک شیوه آموزشی مورد استفاده قرار نگیرد. از جمله زیانهایی که مخالفین تنبیه برای تأیید نظر خویش به آن استناد جسته‌اند عبارت است از:

- ۱- موقتی بودن اثر تنبیه در کاهش رفتار نامطلوب
- ۲- ایجاد انزجار و نفرت در تنبیه شونده نسبت به فرد تنبیه کننده
- ۳- مسری بودن آن (بسیار معنی که کسانی که شاهد تنبیه شدن دیگران بوده‌اند در مواقع و مکانهای دیگر خود به تنبیه دیگران اقدام کرده‌اند)
- ۴- به وجود آوردن روحیه پرخاشگری
- ۵- نشان دادن عکس العمل خشونت آمیز نسبت به تنبیه کننده (مثلاً نوجوانی که از کودکی مورد کتککاری پدر قرار گرفته ممکن است بالاخره روزی در برابر او بایستد یا دانش آموزانی که تحت روشهای مداوم تنبیهی آموزشگاه قرار می‌گیرند ممکن است روزی به تخریب اموال آن یا ایجاد مزاحمت برای معلمان و مسئولان مدرسه بپردازند.

در برابر این گروه دسته دیگری قرار دارند که مدعی‌اند تنبیه امری واجب و ضروری برای تربیت و ایجاد رشد در آدمی است ایشان همچنین اعتقاد دارند که براساس نظرات متخصصان علوم روانی و صاحب نظران تربیت و تجارب روزمره وضع کودک به گونه‌ای است که درون او یک حالت بی‌قراری و عدم تعادل دیده می‌شود و تنبیه عامل مهمی است در رام کردن و به راه آوردن او. تنبیه سبب می‌شود تا کودک نفس سرکش و طغیانگر خود را در اثر کتکها و ضربات از دست داده و رام و مطیع شود. حتی برخی از آنان این استدلال را مطرح



کرده‌اند که چنین شیوه‌های از روزگاران قدیم به خاطر احساس منافع آن مورد استفاده بوده و امروز هم باید مورد استفاده قرار گیرد و دلیلی ندارد که روش گذشتگان متروک افتد.

واقعیت آن است که هر کدام از نظرات ارائه شده از سوی موافقین و مخالفان چهاره‌ای از حقیقت را ندارد و نفی و اثبات مطلق هر یک به تنهایی می‌تواند به انکار بدیهیات و امور ملموس بیانجامد با این همه آشنایی با تعریف و مفهوم تنبیه از دیدگاه روانشناسان و علمای تعلیم و تربیت مدخل مناسبی برای ورود به بحث اصلی ما خواهد بود.

**تعریف تنبیه - تنبیه در لغت به معنی آگاه کردن و در اصطلاح تربیت نوعی تحریک عاطفی است که از غیرمهرورزی و گاهی با خشونت همراه است از نظر روانشناسی نیز تنبیه عبارت از ارائه یک محرک آزارنده است که بعد از یک رفتار نامطلوب به منظور کاهش دادن نیرومندی آن رفتار انجام می‌شود. برای مثال پدیری که زده کودک خود را به خاطر حرف زشتی که زده است کتک می‌زند می‌خواهد از این نوع رفتارهای نامطلوب کودک در آینده جلوگیری به عمل آورد در این مثال کتک محرک یا رویداد آزار دهنده است و کتک زدن پدر بعد از حرف زشت کودک تنبیه نام دارد.**

### ● اسلام و تنبیه

بر اساس آنچه از قرآن و سنت فهمیده می‌شود تنبیه بدنی حتی به معنی کتک زدن در اسلام وجود دارد لیکن شیوه آن بدان گونه نیست که در برخی از خانواده‌ها و مدارس اجرا می‌شود زیرا در بسیاری از موارد اساس تنبیه چیزی جز عقده تکانی و عارضه آفرینی نیست. حضرت علی (ع) فرمود: آن کس که در سایه خیرخواهی و مدارا اصلاح نشود ساکن‌زیر از راه تنبیه و مکافات باید اصلاح گردد و باز هم ایشان فرموده‌اند: آنگاه که احترام و گرمی‌داشت فرد چاره راه و درمان درد نباشد باید از راه

تنبیه به راه آید.

البته این نکته را باید توجه داشت که اقدام به تنبیه با رعایت دید اسلامی کاری است بسیار دشوار و هر کس از عهده آن بر نمی‌آید مضافاً آنکه در نظام تربیتی اسلام اصل بر تنبیه به معنای متعارف روز نیست بلکه مبنا سازندگی و هدایت کودکان، دادن آگاهی‌های لازم و روشنگری و وعظ با تکیه بر فطرت است. و از تنبیه تنها در آن هنگام که دیگر شیوه‌های سازنده و هدایت کننده مؤثر واقع نشود در حد ضرورت و همانند مصرف دارویی و به همان میزان می‌توان بهره گرفت.

### منبای حقوقی حق تنبیه والدین

از نظر قانون مدنی ایران تنبیه بدنی حقی است که والدین به سبب تکلیف قانونی خود نسبت به تربیت اولاد خویش از آن برخوردارند. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی می‌گوید:

«ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضای اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند»

تربیت طفل عبارت است از یاد دادن آداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و همچنین کوشش در فراگرفتن علم یا صنعتی یا حرفه متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی، خانوادگی که بعداً بتواند با به دست آوردن عایدات کافی، زندگی خود را به رفاه بگذراند. لکن همیشه نمی‌توان به وسیله منطوق عقل به تنهایی در طفل حس احترام و اطاعت ایجاد نمود بلکه در مواردی نیز باید از بیم تنبیه و در بعضی مواقع از تنبیه در موقع سرپیچی کمک خواست و آن در صورتی ممکن است که ابوین اجازه تنبیه او را داشته باشند لذا در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی آمده است «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تنبیه نمایند»

تنبیه طفل برای آگاه کردن او به زشتی عمل ارتكابی و ایجاد پشیمانی از آن است

بدین جهت در مواردی که یکی از ابوین لازم بداند طفل تنبیه گردد باید تنبیهی را در نظر بگیرد که با روحیه طفل وفق دهد از قبیل نصیحت یا سرزنش، بازداشت، کتک و امثال آن تا طفل را از تکرار این عمل بازدارد و این امر به اعتبار محیط اجتماعی فرق می‌کند چنانکه ذیل ماده فوق‌الاشاره آمده است:

«ابوین نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب نمایند» چنانکه در اثر کتک زدن موجب ایجاد خرج یا تقض عضو گردند و یا طوری تنبیه کنند که طفل بیمار شود. مطابق ماده ۲۸۴ قانون مجازات اسلامی: دپه ضربتی که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است:

الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار  
ب - کبود شدن صورت سه دینار  
ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم  
د - در سایر اعضای بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت کبود شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار.  
تفسیر ۱ همین ماده می‌گوید:

«فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی بین آنکه اثر جنایت مدنی بماند یا زایل گردد نمی‌باشد»

آقای دکتر ناصر کاتوزیان در جلد دوم کتاب خانواده حق تربیت را متضمن اختیار در تنبیه طفل دانسته و می‌نویسد:

قانونگذار نمی‌تواند حدود اختیار پدر و مادر را به دقت معین سازد و مرز مجازات مباح کودک را رسم کند پس ناچار بایستی از عرف یاری جست و انگیزه تأدیب را شرط لازم برای اباحه هر گونه تنبیه قرار دهد همین اندازه می‌توان گفت که تمایل عمومی بر سبک کردن کیفرهای مباح و لزوم آمیختن آن با ملاطفت است از زیرباز گفته‌اند که درشتی و نرمی به هم در به است و اضافه می‌کنند که «تنبیه کودک ممکن است به صورت ندانن غذا و محبوس کردن موقت در اتاق خاص و ایراد ضرب و شتمات و

مانند اینها باشد ولی در همه این موارد باید از خشونت و انتقامجویی پرهیز شود و اقدام والدین با نوعی ملایمت همراه باشد بنابراین هر گاه پدری به منظور اذیت کردن فرزند خود به امری نامشروع به آزار او بپردازد بر حسب موارد ممکن است به کیفرهای مربوط به ایراد ضرب یا حبس غیر قانونی محکوم شود. ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان دورکن لازم برای مجاب بودن تنبیه پدر و مادر یا سرپرست طفل، یعنی قصد تأدیب و رعایت حدود متعارف مقرر می‌دارد:

«... اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا محافظت آنان انجام شود مشروط به اینکه در حدود متعارف تأدیب و محافظت باشد» به این ترتیب اگر ولی یا سرپرست طفل یا شخص محجور به منظور تأدیب او در حدود متعارف او را تنبیه کند و یا برای حفاظت خود او موقتاً آزادی وی را سلب نماید فاقد مسئولیت جزایی خواهد بود اما اگر اقدامی به منظور تأدیب انجام نشود و یا از حدود متعارف تجاوز کند جرم است و در قسمت آخر ماده ۷۱ قانون تعزیرات نیز در خصوص کیفر توقیف غیر قانونی (بدون حکم مقام صالح) آمده است:

«... اولیای قانونی اطفال، از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون، از مفاد این ماده مستثنی می‌باشند مشروط به اینکه اقدام اولیا از حد تأدیب تجاوز نکند» تنبیه بدنی و مسئولیت کیفری معلمین و مربیان مدارس

از مباحث گذشته روش شد که والدین به موجب قانون دارای حق تأدیب و تنبیه فرزندان خود هستند و خشونت‌های آنان هم مشروط به وجود دو عنصر «قصد تأدیب و رعایت حدود متعارف» جرم تلقی نمی‌شود همچنین در مورد حبس و توقیف غیر قانونی و یا مخفی نمودن به عنف اشخاص در محلی که بر حسب مورد مستوجب کیفر حبس یا شلاق و یا کیفر حبس به تنهایی است اینان طبق ماده ۷۱ قانون مجازات

اسلامی (تعزیرات) از مفاد ماده مزبور مستثنی می‌باشند مع الوصف در مورد عدم مسئولیت کیفری معلمان و مربیان صراحت قانونی وجود ندارد و معلوم نیست که آیا آنها نیز می‌توانند از فرجه قانونی تنبیه به عنوان دلیل موجهه جرم استفاده کنند یا نه؟ واقعیت این است که در بین استادان و نویسندگان حقوق جزا به دلیل اجمال در احکام مذکور اتفاق نظر وجود ندارد به عنوان مثال دکتر پرویز صانعی از اساتید علم حقوق در جلد اول کتاب حقوق جزای عمومی ضمن شرح شرایط اقدامات اشخاص موضوع شش ۱ ماده ۲۲ قانون مجازات عمومی سابق (این ماده عیناً به صورت ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی بازنویسی شده است) می‌نویسد:

«با توجه به منطوق این ماده باید گفت که موافق عرف و سنت‌های جامعه ایرانی تنبیهی هم که معلم و استاد، در حدود متعارف، نسبت به شاگردان به عمل می‌آورند جنبه محرمانه ندارد و مستوجب مجازات نمی‌شود» در صورتی که دکتر رضا نور بهار در کتاب زمینه حقوق جزای عمومی اقدامات معلمین در مورد شاگردان خود را خروج از موضوع بند ۱ ماده ۲۲ قانون راجع به مجازات اسلامی (ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی اخیرالتصویب) دانسته و اضافه می‌کند که قانون عناوین کسانی را که به این اقدامات توسل می‌جویند محدود کرده و نمی‌توان افراد دیگری را داخل در آنها کرد.

به هر حال ابهامی که در بعضی از عناوین ذکر شده در ماده اخیر وجود دارد موجب گردیده تا حکم مندرج در آن تاب تحمل تفسیرهای متضادی را داشته باشد فلذا به همین خاطر برای استنباط صحیح این ماده ناگزیر باید به قراین و شواهد دیگری استناد نمود زیرا در غیر این صورت سخن بی‌دلیل و ملاک گفتن کار آسانی است که از عهده هر کس برمی‌آید.

به عقیده نگارنده مربیان و معلمین هم بنا بر دلایل زیر حق تنبیه دانش‌آموزان خود را دارند:

**در نظام تربیتی اسلام اصل بر تنبیه به معنای متعارف روز نیست بلکه مینا سازندگی و هدایت کودکان، دادن آگاهی‌های لازم و روشنگری و وعظ با تکیه بر فطرت است.**

**قانونگذار نمی‌تواند حدود اختیار پدر و مادر را به دقت معین سازد و مرز مجازات مجاب کودک را رسم کند. پس ناچار بایستی از عرف یاری جسته و انگیزه تأدیب را شرط لازم برای اباحه هر گونه تنبیه قرار دهد.**

الف - همانگونه که در روابط بین پدر و مادر و فرزندان هر حقی تکلیف دارد و اگر از حق صحبت می‌شود منظور توانایی و اقتداری است که قانون برای اجرای تکالیف آنها در نظر گرفته است در ما نحن فیه نیز معلمین و مربیان به لحاظ تکالیفی که در رابطه با نگهداری و تربیت دانش‌آموزان تحت تعلیم خود دارند از حق تنبیه آنان برخوردار بوده و در صورتی که عمل آنان واجد شرایط پیش‌بینی شده در قانون باشد حتی در صورت جرم بودن آن از مجازات قانونی معاف خواهند بود.

ب - سابقه تاریخی مواد قانونی مربوط به این موضوع نیز نشان می‌دهد که قانونگذار تفاوتی بین والدین و معلمین قائل نگردیده است و چنانکه در ذیل ماده ۱۹۲ قانون مجازات اسلامی سابق در مورد توقیف اطفال و فجانین آمده بود:

«اولیای قانونی اطفال از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون و قیم نسبت به صغیر و معلم نسبت به شاگردان از مفاد این ماده مستثنی می‌باشند مشروط بر اینکه اقدامات اولیا از حد تأدیب و اقدام معلمین از حدود وظایف، رسمیه مربوط به مدارس تجاوز نکند»

ج - به رغم نظر بعضی از استادان حقوق جزا نظر مقرر در احصای تعدادی از عناوین مذکور در مواد فوق‌الاشاره جنبه توقیفی نداشته و از باب تمثیل بوده است. قید کلمه «از قبیل» در حکم مندرج در ذیل ماده ۷۱

قانون تعزیرات قبل از ذکر عناوین یاد شده در آن ماده این نظر را در مورد غیر احصایی بودن آنها ثابت می‌کند.

مسئولیت انضباطی معلمین و اولیای مدارس در مورد تنبیه بدنی دانش‌آموزان قبل از آنکه به مسئولیت اشخاص مذکور بپردازیم لازم است تا با تعریف تخلفات اداری بیشتر آشنا شویم شایان ذکر است هم اکنون قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷۲/۹/۷ مبنای مسئولیت کارمندان دولت در قبال سازمان متبوعه آنان به شمار می‌آید.

تعریف حقوقی تخلفات اداری - با آنکه در متون قانونی چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن تعریف صریحی از تخلفات اداری دیده نمی‌شود لیکن استادان و نویسندگان علم حقوق کوشیده‌اند تا با توجه به ماهیت و عناصر تشکیل دهنده آن، تعریف دقیقی از این نوع تخلفات ارائه دهند. ذیلاً به چند نمونه از این تعاریف اشاره می‌شود:

استاد جعفر لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق تخلف را تجاوز مامور دولت از مقررات اداری در حین انجام وظیفه دانسته و در تعریف اصطلاحی تخلف انضباطی می‌نویسد:

«نقض مقررات صنعتی به وسیله یک نفر از افراد آن صنف مانند قضات، وکلا، کارشناسان دادگستری و غیره. مرادف اصطلاح جرم انضباطی، تقصیر انضباطی است.

مرحوم دکتر عبدالحسین علی‌آبادی در حقوق جنایی آورده‌است:

«تقصیرات انضباطی عبارت است از تخلفات مربوط به حیثیت و مقام و وظایف حرفه‌ای هر فرد و مجازاتهای وابسته به آن توبیخ و جریمه و اخراج موقت یا دائم می‌باشد»

دکتر ولی... انصاری از استادان حقوق اداری دانشگاه تخلفات اداری را اینگونه تعریف می‌کند: «خطای اداری یا خطای انتظامی عبارت است از هر نوع فعل یا ترک فعل که مغایر تکالیف و وظایف مربوط به شغل و سازمان متبوعه کارمند باشد. مانند رفتار مغایر شغلی یا غیبت‌های مکرر یا سرپیچی از دستورهای قانونی مافوق یا خروج از بیطرفی در انجام وظایف اداری»  
دکتر عبدالحمید ابوالمحمد نیز در کتاب حقوق اداری ایران در تعریف خطای اداری نوشته است:

«خطای اداری عملی است که ممکن است مستخدم به آن علت مسئول واقع شود و از جهت انضباطی در دادگاه اداری تعقیب و محاکمه شود»

مطلب دیگری که ذکرش در اینجا بی‌مناسبت به نظر نمی‌آید آن است که با عنایت ماهوی جرم در حقوق جزا و تخلف اداری و اینکه هدف از رسیدگی به تخلفات اداری و تنبیه متخلف دفاع از نظم شخص و سازمان متبوعه کارمند می‌باشد در صورتی که ضرورت مقابله با جرم ناشی



از دفاع از نظم عمومی است نتیجه گرفته می‌شود که بین تخلف اداری و جرم رابطه لزومی برقرار نیست. عبارت صدر ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری اخیرالتصویب مبنی بر اینکه «هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از حرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد» موید همین معنی است مضافاً در این ارتباط در رأی وحدت رویه شماره ۷۰/۱۷/۵ مورخ ۷۲/۱/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری آمده است:

«... با عنایت به اینکه صدور احکام تیرئه از ناحیه مراجع قضایی در خصوص جرائم مذکور در ماده ۲۵ قانون فوت ناظر به جنبه‌های کیفری و جزایی است و ارتباطی به عنوان تخلفات اداری که رسیدگی به آن در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد، ندارد...»

بنابر مراتب فوق همیشه این احتمال وجود دارد که عملی از نظر قوانین جرایمی جرم به شمار نیاید ولی به لحاظ اداری تخلف محسوب شده و به استناد قانون رسیدگی به تخلفات اداری قابل مجازات باشد.

### قانون رسیدگی به تخلفات اداری و تنبیه بدنی

به لحاظ آشنایی با سابقه تاریخی بدنیست بدانیم که تنبیه بدنی دانش‌آموزان طبق بند ۲۲ ماده ۲ آئین نامه نادرسی اداری

موضوع تبصره ماده ۵۸ منسوخه قانون استخدام کشوری خطای اداری به شمار می‌آید لیکن در ماده ۸ از فصل دوم قانون رسیدگی به تخلفات اداری اخیرالتصویب همانند دیگر قوانین مربوط به تخلفات اداری مصوب بعد از انقلاب از قبیل قانون پاکسازی، بازسازی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و قانون رسیدگی به تخلفات اداری سابق و اصلاحیه‌های بعدی نکری از تنبیه بدنی به عنوان یک تخلف اداری یاد نشده است. اما رویه معمول هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش آن است که در صورت شکایت و با اعلام اشخاص حقیقی و یا حقوقی موضوع ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی قانون مذکور به پرونده مطروحه رسیدگی و در صورت احراز موضوع اعلام شده (تنبیه بدنی) ضمن انطباق آن با یکی از بندهای ۱ و یا ۲ ماده مذکور یعنی اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری، و یا نقض قوانین و مقررات مربوط متخلف را به استناد ماده ۹ همان قانون به یکی از مجازات‌های مقرر در آن ماده محکوم می‌نمایند که البته توجه به این نکته ضروری است که اگر هم بتوان این منطوق را پذیرفت که تنبیه بدنی بدلیل ممنوعیت آن به وسیله بخشنامه‌های داخلی آموزش و پرورش و آیین نامه انضباطی دانش‌آموزان نقض قوانین و مقررات به حساب آمده و به همین استناد موضوع قابل طرح در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

است. مطلقاً قابل قبول نیست که اعمال آن با شرایط و ضوابط شرعی و قانونی از مصادیق بند ۱ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری یعنی اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری که نوعاً متضمن اعمال و رفتار مغایر با اصول اخلاقی و شرع مقدس می‌باشد، بشمار آید.

منابع و مأخذ

الف - منابع اصلی

- ۱- ابوالمحمد، دکتر عبدالحمد - حقوق اداری ایران - انتشارات توس
- ۲- انصاری، دکتر ولی... حقوق اداری - جزوه درسی (پلی کپی)
- ۳- امامی، دکتر سید حسن - حقوق مدنی - انتشارات کابرونی اسلامی
- ۴- سیف، دکتر علی اکبر روانشناسی پرورشی - انتشارات آگاه
- ۵- صانعی، دکتر پرویز - حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش
- ۶- کاتوزیان، دکتر ناصر - حقوق مدنی (خانواده) انتشارات بهش
- ۷- گلدوزیان، دکتر ایرج حقوق جزایی عمومی انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۸- علی آبادی - دکتر عبدالحسین حقوق جنایی انتشارات فردوسی
- ۹- قائمی - دکتر علی خانواده وسایل مدرسه‌ای کودکان - انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- ب- منابع قانونی
- ۱- قانون اساسی
- ۲- قانون مدنی
- ۳- قانون مجازات اسلامی (تغزیرات مصوب ۱۳۶۲)
- ۴- قانون راجع مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۶۱)
- ۵- قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)
- ۶- قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲)
- ۷- قانون استخدام کشوری (مصوب ۱۳۴۵)
- ۸- قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۲)
- ۹- آیین نامه نادرسی اداری (مصوب ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ و...)